

مقاله پژوهشی: دولت حائل و ثبات سیاسی (مطالعه موردی: عراق)

[20.1001.1.24234621.1400.111.42.3.8](https://doi.org/10.1400/111.42.3.8)

محسن بیوک^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۲

چکیده

برخی از نقاط ناآرام سیاسی روی کره زمین، به‌عنوان حائل میان قدرت‌های بزرگ‌تر عمل کرده‌اند. این‌گونه کشورها چنانچه نسبت به کشورهای دیگر به‌ویژه همسایگان از قدرت کمتری برخوردار باشند، به کشوری حائل تبدیل می‌شوند. فضای جغرافیایی آن‌ها دارای ارزش‌های ژئوپلیتیکی است و جاذبه کشش بازیگران سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را دارند. هر فضای حائل دارای کارکردهایی در ابعاد خارجی و داخلی است. این کارکردها از درجات اهمیت برخوردار است و در شرایط زمانی و مکانی می‌توانند در نقش‌های متفاوت ظاهر شوند.

حمله ایالات‌متحده در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق موجب شد این کشور از رده کشورهای بازیگر و مؤثر در منطقه خارج شود. با سقوط نظام بعثی و خلأ قدرت ناشی از آن، کشور عراق به موقعیت حائل تغییر یافت. قرار گرفتن عراق در موقعیت حائل و کارکردهای آن، پیامدهای متفاوت و بغرنجی را در دو دهه گذشته برای کشور عراق داشته است. هدف اصلی مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده، این است که با بررسی کارکردهای داخلی و خارجی دولت حائل عراق، نقش دولت حائل را در ثبات سیاسی عراق تبیین نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت حائل و کارکردهای آن منجر به چالش‌های متعدد شده و در نتیجه، محیط امنیتی عراق، آسیب‌پذیر، شکننده و حساس شده و همواره بستر مناسبی برای ایجاد تنش‌های سیاسی و به دنبال آن بی‌ثباتی سیاسی و به مخاطره افتادن امنیت ملی عراق شده است.

۱. دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی، استادیار دانشگاه خاتم‌الانبیاء ارتش: mohsen.b.t89@gmail.com

کلید واژه‌ها: دولت حائل، عراق، ثبات سیاسی، قدرت‌های حائل‌ساز.

مقدمه

محیط سیاسی هر جامعه‌ای تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی آن است و عوامل گوناگونی در شکل‌گیری و تداوم ثبات سیاسی کشورها تأثیرگذار است. بدون شک بخش مهمی از عوامل ثبات و بی‌ثباتی واحدهای سیاسی ناشی از برآیند مسائل ژئوپلیتیکی و موقعیت و فضای جغرافیایی آن است. عامل جغرافیا خود را بر نظام‌های سیاسی تحمیل می‌کند و سیاست دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اطاعت، ۱۳۹۴: ۱۴).

از زمان شکل‌گیری مفهوم کشور در تاریخ ثبت‌شده حیات بشر، برخی کشورها نقش کشورهای حائل را ایفا کرده‌اند. وجود و حیات کشور حائل به فضای نفوذ دو یا چند قدرت منطقه‌ای و جهانی وابسته است که به‌عنوان قدرت‌های حائل‌ساز در فضای جغرافیایی کم‌قدرت و دارای خلأ قدرت وارد شده و جهت دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی باهم رقابت می‌کنند. موقعیت حائل، کارکردهایی را به دولت تحمیل می‌کند که پیامدهای متعددی برای دولت حائل در بردارد.

حمله ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق موجب شد این کشور از رده کشورهای بازیگر و مؤثر در منطقه خارج شود. با سقوط نظام بعثی و خلأ قدرت ناشی از آن، کشور عراق به موقعیت حائل تغییر یافت. قرار گرفتن عراق در موقعیت حائل و کارکردهای ناشی از آن، پیامدهای متفاوت و بغرنجی را در دو دهه گذشته برای کشور عراق داشته است.

این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که وضعیت حائل عراق چه تأثیری بر ثبات سیاسی این کشور دارد؟ هدف اصلی مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده، این است که با بررسی مؤلفه‌های نظری دولت حائل و کارکردهای داخلی و خارجی آن، نقش دولت حائل را در ثبات سیاسی عراق تبیین نماید. در پاسخ به سؤال پژوهش، نتایج نشان می‌دهد که موقعیت حائل و کارکردهای آن از یکسو و نقش‌آفرینی بازیگران حائل‌ساز از سوی دیگر، چالش‌های متعددی را فراهم کرده است. تداوم چالش‌ها، محیط امنیتی عراق را آسیب‌پذیر، شکننده و حساس کرده و همواره بستر مناسبی برای ایجاد تنش‌های سیاسی و به دنبال آن بی‌ثباتی سیاسی و به مخاطره افتادن امنیت ملی عراق شده است که این بی‌ثباتی قابلیت تسری به سایر مناطق جغرافیایی را دارد.

با توجه به همسایگی و جایگاه عراق در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران، ثبات سیاسی و جلوگیری از تهدیدات احتمالی با منشأ عراقی، علیه ایران بسیار حائز اهمیت است. عدم شناخت و اشرافیت به اهداف ژئوپلیتیکی بازیگران مؤثر در عراق و همچنین عدم آگاهی از نحوه تعامل دولت عراق با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، می‌تواند موجب غافلگیری و انحراف در راهبردها شود و ایران را با چالش‌های متعددی مواجه کند.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

تا پیش از نگارش این پژوهش، درباره وضعیت حائل عراق، کتاب یا مقاله‌ای نگاشته نشده است. مهم‌ترین اسناد یافت‌شده در رابطه با برخی از دولت‌های حائل عبارت‌اند از:

عنوان:	Explanation of the Structural and Functional Characteristics of Geographical Buffer Space
محقق/محققین:	Hafeznia, m, Ahmadi,s and hourcad,b
محل نشر:	Geopolitics Quarterly, Volume: 8, No 4
سال نشر:	Winter 2013
نتایج پژوهش:	تبیین ویژگی‌های ساختاری و عملکردی فضا‌های حائل جغرافیایی در این مقاله نویسندگان به روندها و ویژگی‌ها و کارکردهای دولت حائل پرداخته‌اند. در روند شکل‌گیری فضای حائل، تحولات روابط بین حائل‌کنندگان بسیار مؤثر است. با افزایش رقابت حائل‌کنندگان، کشور حائل در موضع ضعف آشکار نسبت به آن‌ها قرار می‌گیرد. کشور حائل به سبب کوچکی و کمی قدرت، نمی‌تواند با آن‌ها مخالفت کند. هر منطقه حائل دارای ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی است. موقعیت همسایگی مهم‌ترین عاملی است که موجب بقای کشورهای حائل می‌شود. برخورداری از موقعیت استراتژیک و مسیرهای حمل‌ونقل می‌تواند یک کشور را به حائل تبدیل کند. بیشتر کشورهای حائل، محیط متخاصم دارند و دارای جمعیت ناهمگون از نظر قومی و فرهنگی هستند. قدرت‌های حائل‌ساز در فضای حائل، رقابت شدیدی با یکدیگر دارند و تلاش می‌کنند در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، صنعتی و... نیروها و مهره‌های خود را مستقر ساخته تا بتوانند منافع بیشتری را در این فضا به دست آورده و مانع دستیابی رقیب به منافع در این عرصه شوند. فضای حائل باید دارای ویژگی‌های جغرافیایی، قومی، استراتژیک، نظامی و... خاصی باشد تا توجه قدرت‌های برتر را به خود جلب کند. چنانچه فضایی فاقد چنین ویژگی‌هایی باشد و برای قدرت‌های برتر اهمیت استراتژیک نداشته باشد، در اصل فضای حائل تشکیل نمی‌شود.

<p>عنوان: Le Liban, la triste réalité d'un Etat tampon</p> <p>محقق: BALANCHE, Fabrice</p> <p>محل نشر: www.cafe-geo.net</p> <p>سال نشر: janvier 2007</p> <p>نتایج پژوهش: لبنان، واقعیت تلخ یک دولت حائل. این مقاله به بخشی از سیاست‌های دولت لبنان در برابر همسایگانش پرداخته است. لبنان از جهت قرار داشتن میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، یک کشور حائل به حساب آمده است. پس از ترور رفیق حریری، احزاب و جریان‌های سیاسی همچون ائتلاف دولتی، مسلمانان سنی، احزاب شیعه، حزب‌الله، جریان میهنی، احزاب مسیحی، دروزی‌ها و سوسیالیست‌ها و... اختلافات جدی باهم دارند. همه این احزاب خارج از مرزهای لبنان تغذیه می‌شوند. ایران از حزب‌الله، فرانسه از کاتولیک‌ها، انگلیس از دروزی‌ها و روس‌ها از ارتدکس‌ها حمایت می‌کنند. اوضاع بد اقتصادی، بدهی‌های خارجی، مهاجرت گسترده مردم و ناتوانی دولت در جلوگیری از نفوذ قدرت‌های برتر باعث بی‌ثباتی سیاسی و از دست دادن اعتماد به دولت شده است.</p>	۲
<p>عنوان: L'Evolution du statut du Liban dans l'ordre régional et international</p> <p>محقق: Corm, Georges</p> <p>محل نشر: www.carin.info.com</p> <p>سال نشر: 2007</p> <p>نتایج پژوهش: مقاله: تحول وضعیت لبنان در نظام منطقه‌ای و بین‌الملل.</p> <p>این مقاله به بررسی موقعیت جغرافیایی لبنان و مقایسه آن با یوگسلاوی پرداخته و در پی پاسخ به این سؤال است که به‌رغم وجود میراث فرهنگی، فلسفی و تاریخی بسیار غنی در لبنان، چگونه می‌توان رفتار سیاسی لبنان را توضیح داد که باعث شده این کشور ۲۰۰ سال در دام گرداب رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در خاورمیانه قرار گیرد؟</p> <p>این مقاله بیان می‌دارد از آنجاکه لبنان چهارراه عبور کالا و فرهنگ از شمال و غرب مدیترانه به شرق و آسیا و به‌ویژه محل تلاقی دو دین بزرگ اسلام و مسیحیت بوده؛ در نتیجه تبدیل به منطقه حائل میان دو دین و دو فرهنگ شده و به محیطی تبدیل شده که شبکه پیچیده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قدرت‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی فعال، در آن نفوذ کرده‌اند. این سرزمین به یک فضای نمادین تقابل یا صلح بین شرق و غرب تبدیل شده است. لبنانی‌ها که بین قدرت‌ها محاصره شده‌اند، باید انتخاب کنند: یا ابزار بی‌طرفی را داشته باشند که بتوانند در صورت لزوم مانند سوئیس آن را اعمال کنند، یا در مورد اینکه چه کسی دوست است و چه کسی دشمن است در طولانی مدت از قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که در صحنه لبنان درگیر می‌شوند، فاصله بگیرند.</p>	۳
<p>عنوان: Buffer States, Power Politics, Foreign Policies and Concepts</p> <p>محقق: Turmanidze, Tornike</p> <p>محل نشر: Nova science Publishers, Inc. New York</p> <p>سال نشر: 1989</p>	۴

<p>نتایج پژوهش: کتاب: کشورهای حائل، قدرت سیاسی، سیاست خارجی و مفاهیم نویسنده تصمیم دارد تا بفهمد اصطلاح حائل از نظر تئوری به چه معنا است و در واقع حائل بودن چه پیامدهایی دارد و همچنین کدام کشورهای جهان را در گذشته و حال می‌توان به‌عنوان کشورهای حائل شناسایی کرد؟ نویسنده تعریف جدید و دقیق‌تری از اصطلاح حائل را ارائه می‌دهد. علاوه بر این، مفهوم جدیدی از حالت‌های شبه‌حائل و مقایسه‌هایی بین قدرت‌های حائل‌ساز و مناطق حائل انجام می‌دهد. این کتاب با هدف کشف مفهوم کشورهای حائل و شناخت ویژگی‌های سیاست خارجی آن‌ها به بررسی وضعیت کشور گرجستان پرداخته که در زمان‌های مختلف نقش یک کشور حائل را بین امپراتوری‌های مختلف بازی می‌کرده است. ویژگی‌های جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و فرهنگی مناطق حائل را به تصویر می‌کشد و موقعیت تاریخی و بین‌المللی گرجستان را در آن قالب توصیف می‌کند.</p>	<p>عنوان: الگویابی شخصیت سیاسی فضا‌های جغرافیایی حائل، مورد مطالعه: ایران</p> <p>محقق: نوشته سیروس احمدی نوحدانی</p> <p>محل نشر: دانشگاه تربیت مدرس</p> <p>سال نشر: ۱۳۹۲</p> <p>۵</p> <p>نتایج پژوهش: حائل‌ها قربانی رقابت قدرت‌های برتر هستند و خود کشور حائل، نقش چندانی در حائل شدن خود ایفا نمی‌کند؛ بلکه عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیک هستند که سرنوشت حائل بودن را بر آن تحمیل می‌کنند. طی دو قرن گذشته الگوی رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های درجه یک در مقیاس جهانی، همواره در سطح ملی و در فضای ایران انعکاس داشته است؛ یعنی وضعیت سیاسی داخلی ایران، انعکاسی از الگوی رقابت در سطح جهانی بوده است. قرار گرفتن ایران در موقعیت حائلی پیامدهای متفاوت و بغرنجی در دو سده گذشته برای کشور داشته و در روند توسعه و تصمیم‌گیری و تدوین استراتژی‌های ملی با مشکلات و برخوردهای متضاد از سوی قدرت‌ها مواجه بوده است.</p>
--	--

مبانی نظری

دولت حائل^۱

در تعریف‌های کشورهای حائل که از سوی نویسندگانی چون پوتر^۲ (۱۹۳۰ م)، اسپایکمن^۳ (۱۹۴۲ م) ماتیسین^۴ (۱۹۷۱ م)، پارتم^۵ (۱۹۸۳ م) یا هر نویسنده دیگری که در سده اخیر در این مقوله قلم‌فرسایی کرده‌اند، تفاوت‌های زیادی به چشم

1. Buffer State
2. Potter
3. Spykman
4. Mathisen
5. Partem

نمی‌خورد (Mathisen, 1971). مهم‌ترین تعریف مشترک بین اندیشمندان درباره دولت حائل عبارت است از:

فضای جغرافیایی دارای واحد یا واحدهای سیاسی مستقل اما بی‌طرف که میان دو یا چند قدرت برتر و رقیب یا میان حوزه نفوذ دو قدرت یا دو بلوک قدرت برتر و رقیب قرار داشته و این دو قدرت را از یکدیگر جدا ساخته و امکان برخورد و درگیری میان آن‌ها را کاسته و این قدرت‌ها بر حائل بودن این فضا توافق کرده باشند (احمدی نوح‌دانی، ۱۳۹۲: ۳۵). کشورهای حائل، بازیگران کوچکی هستند که میان چند قدرت دارای اهداف جاه‌طلبانه و گاه تهاجمی در تنگنا قرار گرفته‌اند. کشور حائل توسط این رقیبان خارجی شکل می‌گیرد. کشورهای حائل عناصر قربانی در رقابتی گسترده‌تر هستند و منافع آن‌ها اغلب توسط بازیگران قوی‌تری که ابعاد و اصول و چهارچوب رقابت را تعیین می‌کنند، نادیده گرفته می‌شود (Ziring, 1986, 153).

کارکردهای فضای حائل

کارکرد در بعد خارجی

۱. حفظ صلح و جلوگیری از برخورد میان قدرت‌ها: نخستین نقش کشورهای حائل، جداسازی طرفین مناقشه و کاهش احتمال تماس فیزیکی میان آن‌ها است (Chay, 1986: 2). وقتی فشارها به‌طور تقریبی برابر باشند و رسیدن به یک مرز مشترک ثابت، کاری دشوار جلوه کند، یک کشور حائل درجه‌ای مطمئن از ایمنی را برای طرفین ایفا می‌کند و همچون ناحیه‌ای بی‌طرف و بسان حافظ صلح، وارد عمل شده و حداقل با جداسازی طبیعی موقت دو جناح بالقوه جنگجو، مایه آرامش می‌شود (Spykman, 1939: 410).
۲. تشویق کشور حائل به شرکت در ائتلاف‌های قدرت‌های حائل‌ساز: در سطح بین منطقه‌ای، رفتار کشور حائل ممکن است تحت تأثیر فشار کشورهای همسایه برای تشکیل ائتلاف باشد. کشور حائل یا بی‌طرف باقی می‌ماند و خود را متعهد رفتارهای خیلی خاص می‌کند یا اینکه دست به ائتلاف‌های نظامی می‌زند.

۳. برخورد منفی قدرت‌های حائل‌ساز نسبت به روابط فضای حائل با سایر قدرت‌ها به‌ویژه قدرت سوم: قدرت‌های حائل‌ساز به‌شدت نسبت به روابط کشور حائل با دیگر قدرت‌ها حساسیت نشان داده، این روابط را پایش کرده و کشور حائل را تحت فشار قرار می‌دهد. بدترین حالت برای قدرت‌های حائل‌ساز، نزدیکی کشور به نیروی سوم است.

۴. حساسیت قدرت‌ها به هرگونه حرکت و سیاست قدرت رقیب در فضای حائل: دو قدرت حائل‌ساز به‌شدت رفتار و اقدام رقیب در فضای حائل را پایش و نظارت کرده و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. در تاریخ کشورهای حائل، موارد بسیاری وجود دارد که قدرت‌ها در واکنش به اقدام رقیب به لشکرکشی نظامی، اشغال سرزمین، حملات نظامی، تحریم و تهدید روی آورده‌اند.

۵. حفظ منافع قدرت‌های بزرگ در عرصه جهانی: در اصل یکی از مهم‌ترین کارکردهای حائل، حفظ منافع قدرت‌های بزرگ در عرصه جهانی و منطقه‌ای است و اگر حائل برای قدرت‌های رقیب و برتر، دارای ارزش استراتژیک نباشد، قدرت‌ها تمایلی به حائل نمودن آن نشان نداده و تلاش می‌کنند آن کشور را تحت سلطه خود درآورند.

کارکردها در بعد داخلی

۱. مداخله مستمر قدرت‌ها در حکومت فضای حائل: قدرت‌های بزرگ از طریق حمایت از گروه‌های مذهبی و قومی به‌وسیله سفارت‌خانه و کنسولگری‌ها یا از طریق کمک‌های اقتصادی و مشارکت در پروژه‌های عمرانی در قالب معاهدات دوستی و همکاری زمینه دخالت را مهیا می‌کنند. حتی با انعقاد توافق‌نامه‌های امنیتی و کمک به نیروهای مسلح، دخالت خود را تا حد کودتا در کشور حائل گسترش می‌دهند (Ziring, 1986: 161-163).

۲. جهت‌گیری سیاسی نخبگان، نیروهای سیاسی و... به نفع یکی از قدرت‌ها: نخبگان و بازیگران صحنه سیاسی کشورهای حائل و شبه‌حائل، اغلب جهت‌گیری متمایل به سیاست خارجی یکی از قدرت‌های حائل‌ساز دارند و این اقدام به ناتوانی هرچه بیشتر کشورهایشان دامن می‌زند و ابزار دیگری برای قدرت‌های بزرگ در جهت توسعه نفوذ خویش می‌شوند (Turmanidze, 2009: 15).

۳. **انزوای سیاسی حکومت حائل:** کشور حائل خواسته یا ناخواسته وارد کنش‌های استراتژیک جهانی شده و باید سیاست‌های آگاهانه و بابرنامه‌ای را پی‌ریزی کند. گرایش به سیاست انزواطلبی تا حدود زیادی ناشی از شکست‌های نظامی، دیپلماتیک، سیاسی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و ... است که در روابط با قدرت‌ها رقم خورده و حائل به‌وضوح در پیگیری مطالبات بین‌المللی خود ناتوان است (ziring,1986:157).

۴. **چالش‌های رژیم‌های سیاسی حائل:** رژیم‌های حکومتی در کشورهای حائل از وضعیت ناپایداری برخوردار هستند. گاه این وضعیت از سوی قدرت‌ها صورت می‌گیرد و گاه از درون. دولت کشور حائل تحت هر شرایطی بر بی‌طرفی و عدم تعهد خود پافشاری می‌کند. ولی در هر حال نمی‌تواند شک و تردید همسایگان بزرگ‌تر خود را نسبت به این بی‌طرفی بزداید و این امر خود زمینه‌ساز و منبع دائمی بحران است (Maila,1986:38-39).

۵. **عدم انسجام کارکردی حکومت:** یکی از مشکلات مهم دولت‌های حائل این است که نمی‌توانند به‌طور مستقل از قدرت‌های حائل‌ساز برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کنند. فشار و دخالت‌های بیش‌ازحد این قدرت‌ها در فضای حائل موجب نوعی عدم انسجام کارکردی در اندام حکومت شده و آن را از شروع و پیگیری اقدامات توسعه‌ای بازمی‌دارد (Chay,1986:32).

۶. **تصمیم‌گیری‌های سیاسی واکنشی:** سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های اساسی در کشور حائل، گاه ناشی از ملاحظات سیاسی قدرت‌ها و کنش‌های مثبت و منفی آنان بسیار مقطعی، واکنشی و بدون برنامه‌ای منسجم صورت می‌گیرد. بسیار پیش می‌آید که کشور حائل به‌یک‌باره در شرایط بحرانی قرار گرفته و ناگزیر به اتخاذ تصمیمی شود که ممکن است منجر به تحولات مثبت یا منفی چشم‌گیری شود (Turmanidze,2009:25).

۷. **مناقشات مرزی با همسایگان و درگیری‌های منطقه‌ای با کشورهای همسایه:** یک حائل واقعی باید طوری طراحی شود که درباره مرزهایش هیچ مسئله‌ای وجود نداشته باشد؛ اما وضعیت حائل‌ها همیشه مناسب نیست و اغلب آن‌ها به دلیل دست‌کاری‌های مرزی، اشغال‌ها، جداسازی‌های سرزمینی و ... دارای اختلافات مرزی زیادی با همسایگان هستند (Ibid:75).

روش پژوهش

این تحقیق از نوع نظری است. روش‌شناسی حاکم بر پژوهش، ماهیت توصیفی-تحلیلی و رویکرد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دارد که در کلیت خود بر کنش متقابل سیاست و جغرافیا دلالت دارد. این کنش متقابل ناظر بر درهم‌تنیدگی قدرت، سیاست و خط‌مشی با مکان، فضا و سرزمین است. فنون گردآوری و تحلیل اطلاعات با توجه به نوع تحقیق، بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با بهره‌جستن از آثار معتبر و مهم داخلی و خارجی مکتوب (اعم از کتاب، مقاله، گزارش و...) و الکترونیک (سایت‌های اینترنتی و مقالات الکترونیک) انجام شده است. این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی مبانی نظری دولت حائل و کارکردهای داخلی و خارجی دولت حائل عراق، نقش آن را در بی‌ثباتی سیاسی عراق تبیین نماید.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

الف. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش برای بررسی کارکردهای دولت حائل عراق و نقش آن در بی‌ثباتی سیاسی، به هفت کارکرد آن در سطح داخلی و خارجی پرداخته می‌شود:

۱. **مداخله مستمر قدرت‌ها در فضای عراق:** پس از سرنگونی صدام، رقابت قدرت‌های همسایه و فرامنطقه‌ای برای گسترش نفوذ سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در عراق افزایش داشته است. ایران، ترکیه، عربستان، آمریکا و روسیه، مهم‌ترین بازیگرانی هستند که با اثرگذاری و اهداف متفاوت به نقش‌آفرینی در عراق پرداخته‌اند.

عربستان سعودی: به دلیل جمعیت شیعیان در شرق این کشور و نارضایتی آن‌ها از دولت، روند دموکراسی‌سازی در عراق پیامدهای منفی زیادی برای عربستان به همراه دارد؛ بنابراین افزایش بی‌ثباتی در عراق، نهادینه شدن دموکراسی و کاهش مشروعیت رژیم سلطنتی عربستان را در پی نخواهد داشت (مرادی کلارده، ۱۳۹۳: ۷۷). اگر عراق به ثبات و آرامش برسد و حکومت مقتدری در این کشور برپا گردد، نقش و نفوذ عراق در اوپک و منطقه بیشتر خواهد شد و کنترل سیاست‌های نفتی عراق و سیاست‌گذاری کلان‌نفتی برای

عربستان نگران‌کننده می‌شود. به قدرت رسیدن شیعیان به‌عنوان متغیر جدید، سیاست خارجی عربستان در عراق را در رقابت مستقیم با ایران تحت تأثیر قرار داده است. عربستان سعودی برای کنترل و به چالش کشیدن ایران در عراق، با حمایت از گروه‌های تروریستی در عراق، ثبات و امنیت عراق را به چالش کشیده است (شهریاری، ۱۳۹۶: ۲۹۹). علاوه بر آن، برای دستیابی به نفوذ فرهنگی و سیاسی، سرمایه‌گذاری وسیعی در جمعیت هدف اهل تسنن و استان‌های شیعه‌نشین انجام داده است (وفایی فرد، ۱۳۹۸).

ترکیه: پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و اتخاذ استراتژی نگاه به شرق، روابط سنتی و تاریخی با ترکمن‌های عراق (International Crisis Group, 2007: 16) و گروه‌های سیاسی سنی و سکولار، عمق استراتژیک ترکیه با حمایت از این گروه‌ها در عراق افزایش یافته است. ترکیه سعی دارد نیاز شدید به نفت را از عراق به‌ویژه اقلیم کردستان رفع نماید و مجرای اصلی انتقال انرژی خاورمیانه به اروپا باشد. ترکیه نمی‌خواهد خودمختاری شمال عراق برای کردهای ترکیه الگو شود و مادامی که مسئله کردها و پک ک در شمال عراق برای ترکیه حل نشده باشد، نفوذ ترکیه و در نتیجه بی‌ثباتی در عراق تداوم خواهد داشت. افزایش حجم سرمایه‌گذاری در عراق و تأسیس کنسولگری در شهرهای عراق، علاوه بر کسب اهداف اقتصادی، جلوگیری و مهار نفوذ اقتصادی ایران به‌عنوان رقیب منطقه‌ای ترکیه است (بهرامی، ۱۳۹۰).

ایران: در میان همسایگان عراق با رویکرد مثبت به واقعیت‌ها و ساختار سیاسی جدید آن کشور، همواره از برقراری امنیت، ثبات، تمامیت ارضی و وحدت ملی در عراق حمایت کرده است. پیوستگی مذهب تشیع و نگرانی‌های ایران از احتمال تجزیه عراق و تشکیل دولت مستقل کرد باعث شده تا جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از کدهای ژئوپلیتیکی مذهب و قومیت و ایجاد همگرایی بیشتر بین شیعیان (فرجی راد، ۱۳۸۴: ۸۱-۸۰) و کردهای متمایل به ایران اهداف خود را پیگیری نماید و آن‌ها نیز در رسیدن به اهداف خود به تهران متوسل شده و خواسته‌های خود را از ایران مطالبه کنند. حل مشکلات مرزی و کنترل ادعاهای ارضی عراق نسبت به بخشی از سرزمین ایران و پایبندی به معاهده ۱۹۷۵ الجزایر (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۳) از جمله مسائلی است که ایران به شیوه مسالمت‌آمیز درباره

آن‌ها با دولت عراق همکاری می‌کند. یکی از اهداف سیاست خارجی ایران تبدیل عراق به یک متحد استراتژیک شیعی در منطقه است تا از این راه حلقه اتصال به سوریه و محور مقاومت، محکم‌تر و عمق استراتژیک ایران در شرق مدیترانه تثبیت شود. حضور طولانی مدت آمریکا در عراق، فعالیت وهابیت، داعش و سایر گروه‌های تروریستی، نفوذ عربستان در استان‌های سنی‌نشین و نفوذ رژیم صهیونیستی در شمال عراق نگرانی امنیتی را برای ایران فراهم کرده، بنابراین نفوذ و حضور ایران در عراق در جهت رفع نگرانی‌های امنیتی قابل تبیین است. حجم روابط اقتصادی (www.mehrnews.com/news/4655101) و صادرات غیرنفتی ایران به عراق، تعداد گردشگران مذهبی و زائران ایرانی و عراقی (رئیس، ۱۳۹۵)، تأمین برق و گاز عراق، کاهش تعرفه‌های گمرکی و... از بهینه بودن حضور اقتصادی ایران در عراق خبر می‌دهد.

آمریکا: شکل‌دهی به ساختار و روند جدید دولت‌سازی در عراق یکی از اهداف آمریکا است. هرچند که این روند با اهداف و منافع آمریکا به پیش نرفت؛ ولی به صورت کلان، ساختار فدرال - دموکراتیک را مناسب‌ترین ترتیبات برای مدیریت شرایط عراق می‌داند و در دولت‌های مختلف فارغ از برخی تفاوت‌ها در جهت حفظ این روند تلاش می‌کند. (Nasr, 2006 July/ August) آمریکایی‌ها برای کنترل روندها و معادلات سیاسی در عراق، ضمن تضمین مشارکت و همکاری گروه‌های سیاسی کرد و سنی در دولت جدید عراق، از نخست‌وزیری سیاستمدارانی که به ایران کاملاً نزدیک هستند، جلوگیری می‌کنند (اسدی، ۱۳۹۸). به‌رغم توافق امنیتی بین دو کشور، تعداد نیروهای آمریکایی در عراق، نه تنها کاهش نیافته، بلکه روند افزایشی داشته است. آمریکا با این کار حداقل دو هدف را دنبال می‌کند. اول اینکه می‌خواهد به وسیله نیروهای خود در خاک عراق، مرزهای سوریه و عراق را کنترل کند. دوم اینکه حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق، نوعی دلگرمی به رژیم صهیونیستی باشد (www.islamtimes.org)؛ به عبارتی با خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه و انتقال آن به عراق، آمریکا سعی می‌کند که نگرانی‌های امنیتی تل‌آویو را در سایه گسترش نفوذ محور مقاومت و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران رفع کند. درحالی‌که تحلیل‌های مختلفی در خصوص سیاست واقعی آمریکا درباره وحدت عراق وجود دارد، واقعیت‌های

رفتاری دولت آمریکا نشان می‌دهد که واشینگتن ضمن تلاش برای حفظ روابط ویژه با کردها و افزایش مشارکت آن‌ها در بغداد، با جدایی کردها از عراق و تجزیه این کشور مخالف است. چراکه استقلال کردستان می‌تواند ثبات و امنیت در منطقه را به شدت متأثر سازد و مشکلات بزرگی را برای مقامات آمریکایی در مدیریت ثبات در منطقه ایجاد کند. آمریکا در راستای مقابله با نفوذ و کاهش نقش ایران در عراق و سیاست فشار حداکثری بر ایران قصد دارد با هدف قرار دادن گروه‌های عراقی نزدیک به ایران، از میزان نفوذ ایران در عراق بکاهد و همکاری‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ایران با این کشور را که نقش مهمی در کاهش اثرات تحریم‌های آمریکا علیه تهران داشته، تحت تأثیر قرار دهد (www.donya-e-qtasad.com). با گذار عراق از بحران هجوم داعش و ایجاد ثبات نسبی، کشورهای عربی روابط و تعاملات خود را با دولت عراق ارتقا داده و کوشیده‌اند که به گسترش نفوذ خود در عراق مبادرت ورزند. تلاش‌ها و حمایت‌های دولت آمریکا را می‌توان از عوامل کلیدی دانست که در افزایش روابط کشورهای عربی با بغداد اثرگذار بوده است (اسدی، ۱۳۹۸).

روسیه: تمایل به ایفای نقش فعال در خاورمیانه (Vatchagaev, 2013: 16) در رقابت ژئوپلیتیکی با غرب (Nemtsova, 2015: 79) و بهره‌گیری از خلأ ناشی از خروج نظامی احتمالی آمریکا از عراق، فرصت مغتنمی را برای حضور روسیه در عراق فراهم نموده است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴). ملاحظات امنیتی و جلوگیری از نفوذ تحرکات افراط‌گرایان و تروریست‌های سلفی - تکفیری به حیاط خلوت روسیه در قفقاز شمالی و جنوبی، مقامات روس را به واکنش عملی در قبال عراق متقاعد کرده و نقش و نفوذ روسیه را در آینده عراق افزایش خواهد داد (gambhir, 2015: 2).

با توجه به اهداف متفاوت و متعارض کشورهای حائل‌ساز، در رقابتی گسترده بین آن‌ها، منافع کشور عراق اغلب توسط بازیگرانی که ابعاد و اصول و چهارچوب رقابت را تعیین می‌کنند، نادیده گرفته می‌شود. قدرت‌های حائل‌ساز از طریق حمایت از گروه‌های مذهبی و قومی به وسیله سفارت‌خانه و کنسولگری‌ها یا از طریق کمک‌های اقتصادی و مشارکت در پروژه‌های عمرانی و با انعقاد توافق‌نامه‌های امنیتی و کمک به نیروهای مسلح،

زمینه دخالت در عراق را مهیا می‌کنند. دخالت و نفوذ قدرت‌های حائل‌ساز در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و به‌ویژه امنیتی، به بی‌ثباتی‌های سیاسی در عراق منجر می‌شود.

۲. جهت‌گیری سیاسی نخبگان نیروهای سیاسی: یکی از واقعیت‌های سیاسی عراق،

وجود مرجعیت‌های سیاسی متعدد خارجی برای گروه‌های قومی و مذهبی و احزاب و جریان‌های سیاسی است (جدول شماره ۱). در برخی مقاطع، اهل سنت عراق به پشتوانه بلوک سنی منطقه، راه تقابل مسلحانه با دولت شیعه‌محور را برگزیده‌اند. کردها نیز با حمایت سیاسی و اقتصادی کشورهای خارجی مانند ترکیه کوشش می‌کنند از دولت مرکزی عراق امتیازات بیشتری بگیرند. دو جریان اصلی شیعه؛ یعنی حزب الدعوة و مجلس اعلی نیز در تلاش‌اند با ایجاد توازن بین اراده سیاسی ایران و آمریکا، موقعیت خود را در رأس هرم قدرت سیاسی حفظ کنند. جریان صدر نیز به‌عنوان یک جریان شیعه اسلام‌گرا، با اتخاذ گفتمان قومی (عربی) می‌کوشد از ظرفیت این گفتمان و امتداد عربی خود در منطقه بهره‌برداری کند (زارعان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

جدول شماره ۱: احزاب سیاسی عراق و مرجعیت آن‌ها

مرجعیت سیاسی	حزب یا جریان سیاسی
آمریکا، ایران	مجلس اعلی
آمریکا، ایران	حزب الدعوة (شیعه)
بلوک عربی منطقه	جریان صدر (شیعه)
ایران، آمریکا	اتحادیه میهنی (کرد)
آمریکا، ترکیه، اتحادیه اروپا	حزب دموکرات کردستان (کرد)
آمریکا و بلوک عربی منطقه	جریان‌های لائیک (شیعه و سنی)
بلوک سنی منطقه	جریان‌های سنی

نخبگان و بازیگران صحنه سیاسی عراق اغلب جهت‌گیری متمایل به سیاست خارجی یکی از قدرت‌های حائل‌ساز را دارند و ابزار دیگری برای توسعه نفوذ در عراق می‌شوند و از سوی دیگر موجب نوعی عدم انسجام کارکردی در اندام حکومت شده و آن را در شرایط بحرانی قرار می‌دهند. وجود مرجعیت‌های سیاسی خارجی متعدد برای گروه‌های

عراقی باعث شده تا رقابت‌های منطقه‌ای به داخل عراق کشیده شود و گسل‌های قومی و مذهبی فعال و عمیق‌تر شوند. این وضعیت، شرایط ناپایداری را در عرصه سیاسی و به دنبال آن در عرصه امنیتی، پدید آورده و عراق را آستان بحران‌های متعدد کرده است.

۳. تصمیم‌گیری سیاسی واکنشی: یکی از مشکلات مهم دولت حائل عراق این است که نمی‌تواند درباره سیاست خارجی و حتی داخلی به‌طور مستقل از قدرت‌های حائل‌ساز، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کند. قدرت‌های حائل‌ساز به‌شدت نسبت به روابط کشور عراق با دیگر قدرت‌ها حساسیت نشان داده، این روابط را پایش کرده و کشور عراق ناگزیر است در کشمکش‌ها و تنش‌های منطقه‌ای بی‌طرف باقی بماند و خود را متعهد به رفتارهای خیلی خاص کند.

عراق در دوره بعث دارای ساختار قدرت متمرکزی بود که اهداف پان‌عربی و سیاست‌های تهاجمی و ماجراجویانه‌ای را در سطح منطقه دنبال می‌کرد. اکنون دخالت دولت‌های حائل‌ساز، باعث سردرگمی در سیاست خارجی عراق شده و مانع از آن است که دولت عراق بتواند سیاست منسجمی را در قبال کنشگران منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای اتخاذ کند. بسیاری از کارشناسان و سیاستمداران عراقی معتقدند برای حل بحران‌های عراق، کشورهای ایران، آمریکا، عربستان و ترکیه باید پشت یک میز بنشینند و مشکلاتشان را باهم حل کنند. از نظر آن‌ها، هیچ راه‌حلی برای بحران‌های عراق جز توافق قدرت‌های بزرگ خارجی وجود ندارد. دولت عراق در حوزه خارجی، سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کند که با مخالفت کشورهای حائل‌ساز مواجه نشود. این‌گونه محافظه‌کاری‌ها باعث اتخاذ سیاست منفعل و کم‌اثر در قبال تحولات و همه بازیگران خارجی در عراق شده است (اسدی، ۱۳۹۰).

۴. حفظ صلح و منافع قدرت‌ها: منطق سیاست خارجی عراق بر اساس موقعیت حائل بر روی تمام قدرت‌های حائل‌ساز تدوین می‌شود. با مشاهده سیر حرکت سیاست خارجی عراق در منطقه، درمی‌یابیم که این کشور در جهت ایفای برقراری صلح و حفظ منافع قدرت‌های حائل‌ساز گام برداشته است و قصد دارد از طریق آن تعادلی به ماهیت تعاملات منطقه‌ای جاری بدهد. سیاست خارجی عراق استراتژی گشایش چندجانبه را در پیش گرفته تا جایی که سیاستی با هدف نزدیک کردن دیدگاه‌های بین‌المللی متضاد روسیه و

آمریکا، ایران و عربستان و آمریکا و ایران را دنبال می‌کند. عراق در عین حال روابط استراتژیک خود را با قدرت‌های حائل‌ساز حفظ کرده و می‌کوشد گام‌هایی را در جهت کاستن تنش‌های سیاسی موجود میان این کشورها را بردارد.

توجه ویژه قدرت‌های حائل‌ساز به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی عراق، این کشور را ناگزیر می‌سازد که در مواضع سیاست خارجی خود تا جایی که ممکن است به ایفای نقش یک عامل توازن‌بخش در جریان بازی ائتلاف‌های منطقه خاورمیانه و حفظ منافع قدرت‌های حائل‌ساز در عرصه جهانی و منطقه‌ای بپردازد. دولت عراق، به اقتضای موقعیت حائل، سیاست‌هایی را دنبال می‌کند که با مخالفت کشورهای حائل‌ساز مواجه نشود. ایجاد امنیت پایدار و ثبات سیاسی در داخل نیاز به قاطعیت و تحکم در برابر جریان‌های تأثیرگذار داخلی و قدرت‌های برتر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد که با سیاست منفعل و محافظه‌کار دولت عراق، قابل تحقق نیست.

۵. چالش‌های رژیم‌های سیاسی حائل: رژیم‌های حکومتی در کشورهای حائل از وضعیت ناپایداری برخوردار هستند. گاه، این وضعیت از سوی قدرت‌ها صورت می‌گیرد و گاه از درون. در درون عراق، شکاف‌های قومی و مذهبی بیشترین تأثیرات را در عرصه سیاسی این کشور دارد. تعارضات و شکاف‌های اجتماعی می‌تواند به شکل‌گیری نیروها و گروه‌های سیاسی مختلفی در هر جامعه‌ای بیانجامد که نقش مهمی در زندگی سیاسی ایفا خواهند کرد. تعمیق و فعال شدن این شکاف‌ها، کشمکش‌های خونینی را سبب شده و در عمل جامعه‌ای پاره پاره بر مبنای خطوط قومی-مذهبی را شکل داده است. شکاف‌های قومی-مذهبی، امروزه نقش مهمی نیز در آرایش نیروها در زندگی سیاسی عراق ایفا می‌کند، تعمیق این شکاف و سیاسی شدن آن، نه تنها باعث بلوک‌بندی اجتماعی-سیاسی خواهد شد، بلکه تعدیل و تخفیف این شکاف در آینده نزدیک نیز امری آسان نخواهد بود. شکاف‌های مذهبی و قومی، بدبینی شدید نیروهای سیاسی و هریک از گروه‌های قومی-مذهبی نسبت به یکدیگر و عدم تحمل انزوای سیاسی، موجب شده عراق را به سمت چالش‌ها و حتی تجزیه سوق دهد و زمینه‌ساز منازعات خشونت‌بار آینده باشد.

مداخله نظامی ایالات متحده در عراق، وضعیت نگران‌کننده امنیتی و خشونت‌های مرگ‌بار و ضعف دولت بغداد در برقراری امنیت نسبی همراه با کشمکش‌های سیاسی - نظامی جریانات سیاسی، نقض فاحش حقوق بشر از سوی نیروهای دولتی و غیردولتی را در پی داشته است. از طرف دیگر مشارکت نیروهای مختلف با هدف مقابله با داعش، اهداف متضاد در روند آزادسازی مناطق در سیطره داعش و مسائل حل‌نشده در زمینه شکاف‌های مذهبی، همچنان باعث تداوم چالش‌های امنیتی و بی‌ثباتی سیاسی در این کشور خواهند بود. به نظر می‌رسد، چالش‌هایی که دولت ضعیف بغداد با آن مواجه است تا مدت‌ها تداوم داشته باشد و زمینه را برای دخالت کشورهای منطقه در امور داخلی عراق فراهم کند که آن‌ها لزوماً به سود روند دموکراتیک در عراق نخواهد بود و اوضاع این کشور را بیش‌ازپیش آشفته خواهد کرد (پوراحمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۰).

۶. مناقشات مرزی: کم بودن میزان دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس به نسبت گستره خاک و مرزهای آبی همسایگانش، همواره رهبران عراق را به توسعه‌طلبی در مرزهای آبی علیه همسایگان تشویق می‌کرده است. اختلاف مرزی رهبران عراق در مرزهای شرقی خود با ایران بر سر حاکمیت مطلق بر اروندرود و چشم طمع آن‌ها به استان زرخیز و غنی خوزستان، در نهایت سبب حمله آن‌ها به خاک ایران شد. اروندرود که برای هر دو کشور ایران و عراق ارزش نظامی و اقتصادی دارد، همواره مورد مناقشه بوده است. به‌رغم امضای عهدنامه ارز روم دوم در سال ۱۸۴۷ میلادی، پروتکل استانبول در سال ۱۹۲۴ میلادی، توافقنامه تعیین مرزها در سال ۱۹۱۴ میلادی، عهدنامه ۱۹۳۷ میلادی و توافقنامه ۱۹۷۵ میلادی الجزایر و اختلاف بر سر مرزهای آبی اروندرود هنوز می‌تواند منازعه‌انگیز باشد. ادعای سرزمینی نسبت به استان نفت‌خیز خوزستان و اختلاف بر سر تعیین مرزهای آبی، شرایط بسیار دشواری را در روابط این دو همسایه رقم زد. این روابط که در سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۷۵ به مجادله‌ای سخت انجامید و در پی انعقاد قرارداد الجزایر فروکش کرد، در سال ۱۹۷۹ میلادی پایه هجوم نظامی عراق به ایران قرار گرفت (خسروی، ۱۳۸۹: ۷۵)؛ اما مهم‌ترین علت آن شاید این باشد که عراق فاقد کرانه‌های آبی مناسب و عمق استراتژیک است. از نگاه عراقی‌ها، اروندرود تنها آبراه و شاه‌رگ ژئوپلیتیکی کشورشان است.

ترکیه از سال ۱۹۹۵ میلادی به‌طور رسمی مدعی الحاق استان نفت‌خیز موصل به خاک ترکیه است. این ادعا با دخالت‌های مکرر نیروهای نظامی ترکیه در شمال عراق همراه بوده است. اختلافات مرزی - سرزمینی، نفت، اختلافات قومی و دخالت‌های قدرت‌های بزرگ، عواملی هستند که در چالش‌ها و منازعات بین ترکیه و عراق برای تسلط آن کشور تأثیرگذارند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۱۶).

مناقشات مرزی و حمله نظامی گاه و بیگاه ترکیه به شمال عراق، جولانگاه گروه‌های تروریستی و نیروهای گریز از مرکز در عراق شده، به‌نوعی که حاکمیت عراق بر ثبات و امنیت این منطقه را به چالش کشیده است.

همچنین عراق در گذشته روابط مناقشه‌آمیزی با کویت و ادعای مالکیت نسبت به کل یا بخش‌هایی از آن داشته است. اگرچه مرزهای دو کشور به‌موجب موافقت‌نامه‌های ژوئیه ۱۹۱۳ میلادی، معاهده ۱۹۲۳ میلادی و توافقنامه ۱۹۳۲ میلادی مشخص شده، اما عراق همواره از میله‌گذاری مرزی امتناع ورزیده است. رهبران عراقی از ملک‌غازی گرفته تا عبدالکریم قاسم و صدام حسین به استقلال کویت معترض بودند و آن را بخشی از استان بصره می‌دانستند که در سال ۱۹۱۳ میلادی به دسیسه انگلیس و به‌ناحق از این کشور جدا گردید (مجتهدزاده، ۱۳۶۹: ۲۷-۲۶).

در قرن بیستم، بغداد بارها از طریق تهدید یا توسل به زور، آرامش این امیرنشین کوچک اما ثروتمند را به هم زد. عراق در سطحی محدود ادعای سرزمینی نسبت به دو جزیره وره و بوبیان و منطقه نفت‌خیز رمیله داشته و بارها کویت را برای بازگرداندن آن‌ها تحت فشار قرار داده است. بغداد حداقل زمانی خواستار اجاره دادن این دو جزیره از سوی کویت بود (Hinnebusch, 2003: 110) و (ادوارد و کلیف، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

حمله عراق به ایران و کویت با ادعاهای مرزی و ارضی، سرآغاز چالش‌های متعدد و متنوعی شد، به‌گونه‌ای که مدتی پس از آن، عراق را در گرداب بحران‌های پی‌درپی و دامنه‌داری فرو برد. ثبات و امنیت را از عراق دور کرد و زمینه مداخله کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را فراهم آورد. ادعای سرزمینی کشور عراق نسبت به همسایگان جهت خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی در خلیج فارس همراه با حمایت برخی

دولت‌ها می‌توانند مناقشه‌برانگیز شود و بار دیگر ثبات خود و کشورهای منطقه را به خطر بیندازد.

۷. **ترغیب به ائتلاف با قدرت‌های حائل‌ساز:** پس از سقوط صدام و وقوع تحولات و بحران‌های منطقه‌ای همچون بیداری اسلامی، ظهور داعش، اعلان استقلال کردستان عراق و بروز اختلاف‌های ناشی از آن، دولت‌های حائل‌ساز را بر آن داشت که عراق را به نفع خود جذب کنند؛ زیرا بر این باور بودند که مواضع عراق می‌تواند توازن قوا را در منطقه تغییر دهد. از این رو کوشیدند تا آن را به‌عنوان یک شریک استراتژیک در منطقه به سمت خود جذب کنند؛ چراکه اخلال در توازن استراتژیک قوا در منطقه، تغییرات عمده‌ای در ساختار ائتلاف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و طرف‌های آن‌ها ایجاد کرده است.

جمهوری اسلامی ایران در قبال حضور بیگانگان و تقویت محور مقاومت، متحد استراتژیک ندارد. نتیجه درگیری و جنگ و بی‌ثباتی در عراق هرچه باشد، به‌طور مستقیم با امنیت ملی ایران و توان منطقه‌ای ایران برای رسیدن به اهداف مدنظرش در ارتباط است. بنا بر همین علت است که ایران به‌رغم فشار جامعه بین‌المللی خواهان پایداری رژیم شیعی عراق است. (Bartelland and Gray, 2012: 137) به اعتقاد بسیاری، جبهه سوریه و عراق محل تلاقی نیروهای مقاومت به رهبری ایران و کشورهای محافظه‌کار عربی به رهبری عربستان تبدیل شده است و شکست هریک از طرفین در این جنگ نیابتی به معنای برتری دیگری در منطقه است (Goodarzi, 2013: 33). برای ایران، از دست دادن عراق، درست در زمانی که در اوج قدرت منطقه‌ای خود در چند دهه اخیر است، یک فاجعه است. درگیری‌های کنونی در عراق تهدیدی برای قدرت و نفوذ ایران در سطح منطقه است، چراکه سرنگونی رژیم عراق به‌نوعی شکست شیعیان در این منطقه جغرافیایی است (Bartelland Gray, 2012: 136). یکی از اهداف سیاست خارجی ایران تبدیل عراق به یک همکار و متحد استراتژیک شیعی در منطقه است تا از این راه، حلقه اتصال با سوریه و محور مقاومت محکم‌تر و عمق استراتژیک ایران در شرق مدیترانه تثبیت شود. علاوه بر این، ترغیب عراق به ائتلاف با ایران و همکاری نظامی - امنیتی در مبارزه با داعش، تهدیدات را از مرزهای ایران دور کرد و باعث جلوگیری از فروپاشی عراق شد.

از طرف دیگر، با توجه به اهمیتی که عراق برای اهداف راهبردی آمریکا در منطقه دارد، آمریکا پیشنهاد گفت‌وگوهای راهبردی با این کشور را بر مبنای توافق استراتژیک سال ۲۰۰۸ میلادی میان دو طرف مطرح کرده که هدف از آن، بازبینی کامل روابط بغداد- واشنگتن است. ایالات متحده برای رسیدن به اهداف خود دو ابزار اصلی در اختیار دارد: اول اینکه از ضعف دولت عراق و وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی آن در جهت رسیدن به توافق مطلوب استفاده کند. دوم اینکه آمریکا، برخی جریان‌ها و گروه‌های همسو با منافع خود را تحت فشار قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود و اختلافات و شکاف‌های داخلی عراق، گروه‌های مخالف آمریکا را تحت فشار قرار دهند. نتیجه نهایی این سیاست آمریکا، افزایش تنش میان جریان‌های سیاسی داخل این کشور است (پوراسمعیلی، ۱۳۹۹).

ب. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برخی کشورها به دلیل عملکرد ضعیف درونی یا حمله بیرونی به فضای حائل یا فضای نفوذ دو یا چند قدرت برتر تبدیل می‌شوند. ضعف دولت، کارکردهایی را به اقتضای حائل به دولت تحمیل می‌کند که پیامدهای متعددی برای دولت حائل در بردارد. قبل از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، عراق یکی از بازیگران مؤثر در خاورمیانه بود. حمله ایالات متحده، سرنگونی صدام و خلأ قدرت ناشی از آن باعث شد که عراق به فضای حائل تبدیل شود. نقش و عملکرد ناشی از فضای حائل در سطح داخلی و خارجی، باعث بی‌ثباتی سیاسی در عراق شده است.

مداخله مستمر قدرت‌ها در فضای حائل عراق و اهداف متفاوت و متعارض کشورهای حائل‌ساز در رقابتی گسترده باعث شده منافع کشور عراق اغلب توسط بازیگرانی که ابعاد اصول و چهارچوب رقابت را تعیین می‌کنند، نادیده گرفته شود. قدرت‌های حائل‌ساز از طریق حمایت از گروه‌های مذهبی و قومی به وسیله سفارت‌خانه و کنسولگری‌ها یا از طریق کمک‌های اقتصادی و مشارکت در پروژه‌های عمرانی و با انعقاد توافق‌نامه‌های امنیتی و کمک به نیروهای مسلح، زمینه دخالت در عراق را مهیا می‌کنند.

قدرت‌های حائل‌ساز به شدت نسبت به روابط کشور عراق با دیگر قدرت‌ها حساسیت نشان داده، این روابط را پایش کرده و کشور عراق ناگزیر است در کشمکش‌ها و تنش‌های منطقه‌ای بی‌طرف باقی بماند و خود را متعهد به رفتارهای خیلی خاص کند. یکی از کارکردهای مهم دولت حائل عراق این است که نمی‌تواند درباره سیاست خارجی و حتی داخلی به‌طور مستقل از قدرت‌های حائل‌ساز برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کند. نخبگان و بازیگران صحنه سیاسی عراق اغلب جهت‌گیری متمایل به سیاست خارجی یکی از قدرت‌های حائل‌ساز را دارند و ابزار دیگری برای توسعه نفوذ در عراق می‌شوند و از سوی دیگر موجب نوعی عدم انسجام کارکردی در اندام حکومت شده و آن را در شرایط بحرانی قرار می‌دهند. تعدد بحران و اضافه شدن دیگر مؤلفه‌های تنش‌زای درون‌ملی، به بی‌ثباتی‌های سیاسی در عراق منجر می‌شود. کارکردهای سیاسی داخلی همچون ایفای نقش حافظ منافع دولت‌های حائل‌ساز، مناقشات مرزی با همسایگان، رویکردهای هویتی به سیاست، اقتدارگرایی در امر حکومت، عدم توجه به نهادینه‌سازی جامعه مدنی، قبیله‌گرایی، فرقه‌گرایی و بی‌توجهی به مقولات نرم امنیت، مانایی دولت را با چالش مواجه کرده است.

نتیجه‌گیری

فضاها و مکان‌ها عرصه رقابت قدرت‌ها و بازیگران سیاسی برای نفوذ و اثرگذاری است. فضای جغرافیایی برخی کشورها همچون عراق دارای ارزش‌ها و پتانسیل‌هایی است که جاذبه کشش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را دارا است. حمله ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق موجب شد این کشور از رده کشورهای بازیگر و مؤثر در منطقه خارج شود و با سقوط نظام بعثی و خلأ قدرت ناشی از آن، عراق به دولتی حائل تبدیل شود. قرار گرفتن عراق در موقعیت حائل و کارکردها و نقشی که فضای حائل به عراق تحمیل کرده، پیامدهایی دارد که به بی‌ثباتی عراق منجر شده است. موقعیت حائل این کشور زمینه نفوذ، مداخله و رقابت قدرت‌ها را در خود فراهم کرده و موجب بروز رویکردهای متفاوت میان قدرت‌های حائل‌ساز به فراخور اهداف ژئوپلیتیکی آن‌ها شده است. نحوه وقوع تحولات و اثرپذیری ساختار سیاسی عراق از محیط حائل، سبب شده

تا دولت‌ها در بغداد روی خط باریکی بین کشورهای حائل‌ساز همسایه، ایران، ترکیه و عربستان از یکسو و کشورهای روسیه و آمریکا از سوی دیگر حرکت کند. هریک از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به فراخور اهداف و نوع نگاه امنیت ملی خود به دنبال افزایش منافع و کاستن تهدیدات، بدون در نظر گرفتن دیدگاه یکدیگر در عراق شده‌اند و سیاست‌های کمتر آشتی‌جویانه و رقابت‌های به‌طور عمده غیر سازنده، رودررویی و گسترش تضاد میان آن‌ها طی دهه اخیر در عراق به محیطی شکننده و بی‌ثبات در این کشور منجر شده است.

از دیگر کارکردهای دولت حائل عراق، جهت‌گیری سیاسی نخبگان نیروهای سیاسی است. وجود مرجعیت‌های سیاسی خارجی متعدد برای گروه‌های عراقی باعث شده تا رقابت‌های منطقه‌ای به داخل عراق کشیده شود و گسل‌های قومی و مذهبی، فعال‌تر و عمیق‌تر شوند. این وضعیت، شرایط ناپایداری را در عرصه سیاسی و به دنبال آن در عرصه امنیتی پدید آورده و عراق را آبستن بحران‌های متعدد کرده است.

منطق سیاست خارجی عراق بر اساس موقعیت حائل، بر روی تمام قدرت‌های حائل‌ساز تدوین می‌شود. تصمیم‌گیری سیاسی واکنشی دولت عراق در حوزه خارجی، سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کند که با مخالفت کشورهای حائل‌ساز مواجه نشود. این‌گونه محافظه‌کاری‌ها باعث اتخاذ سیاست منفعل و کم‌اثر در قبال تحولات داخلی و بازیگران خارجی در عراق شده است.

شکاف‌های مذهبی و قومی، بدبینی شدید نیروهای سیاسی و هریک از گروه‌های قومی - مذهبی نسبت به یکدیگر و عدم تحمل انزوای سیاسی، عراق را به سمت چالش‌ها و حتی تجزیه سوق داده و زمینه‌ساز منازعات خشونت‌بار آینده شده است.

کشور عراق به دلیل اشغال نظامی از سوی آمریکا و چالش‌های درونی و ضعف ساختاری، همواره در معرض از دست دادن امنیت و تمامیت ارضی خود بوده است. ضعف اقتدار دولت و نبود امنیت و اهداف کشورهای حائل‌ساز باعث می‌شود که این کشور به ائتلاف با قدرت‌های برتر تشویق شود. در این صورت یا بایستی جهت حفظ توازن، منافع قدرت‌های حائل‌ساز خود را بی‌طرف و متعهد به رفتارهای خیلی خاص کند یا برای امنیت خود دست به ائتلاف بزند. دولت‌های حائل‌ساز به سبب ائتلاف صورت‌گرفته، نیروها و

گروه‌های موافق خود را جهت مقابله با سایر دولت‌ها تحت فشار قرار می‌دهند و عراق را به صحنه رویارویی تبدیل می‌کنند. نتیجه نهایی این عملکرد نیز تنش بین جریان‌های سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی است.

پیشنهادها

۱. کشورهای حائل‌ساز، به‌ویژه ایران، ترکیه و عربستان، بایستی با درپیش گرفتن یک سیاست عملی تنش‌زدای منطقه‌ای و کاستن و کم‌رنگ کردن تقابل و تخاصم منطقه‌ای شیعی- سنی، فرمول‌های همکاری و هماهنگی جدیدی را در حوزه‌های نفوذشان بر پایه منافع و مخاطرات مشترک پایه‌ریزی کنند؛ در غیر این صورت، تداوم روند فعلی، نه‌تنها پدیده‌هایی همچون دانش را قدرتمندتر خواهد کرد، بلکه می‌تواند تمامیت ارضی عراق و امنیت خود این کشورها را با خطر جدی مواجه سازد و بی‌ثباتی و ناامنی در عراق را به کل منطقه تسری دهد.

۲. دولت عراق باید ایجاد هویت ملی فراگیر را به‌عنوان پیش‌شرط تشکیل دولت ملی در دستور کار خود قرار دهد. نمی‌توان با حذف عامل دین، قومیت و زبان به‌عنوان موارد اختلافی و به دلیل تفاوت‌های فرهنگی موجود میان اعراب و اکراد، زمینه‌ای مشترک برای ایجاد هویت ملی پیدا کرد. از این رو استفاده از تجربه کشورهای چندقومی یا چندملیتی که توانسته‌اند به‌رغم تکثر قومی، مذهبی، نژادی، زبانی و فرهنگی یک هویت ملی فراگیر ایجاد کنند، می‌تواند دولت‌مردان عراقی را در این مهم یاری کند.

۳. **کم‌رنگ کردن نقش بازیگران خارجی.** همان‌گونه که بحران عراق نشان داد، ملت‌های منطقه همانند گذشته حاضر به پذیرش نقش و نفوذ پررنگ عناصر مداخله‌گر خارجی نیستند. از سوی دیگر، حضور پررنگ نیروهای خارجی و در رأس آن آمریکا در عراق نشان داد که تا چه اندازه این حضور می‌تواند هزینه‌های امنیتی و سیاسی زیادی برای عراق داشته باشد. این هزینه‌ها چه در قالب افزایش شکاف و بی‌اعتمادی میان گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و چه در قالب خطرات ناشی از گسترش عملیات تروریستی، قدرت دولت عراق را در تأمین ثبات و امنیت خود با ناکامی مواجه می‌کند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- احمدی نوحدانی، سیروس، (۱۳۹۲)، الگویابی شخصیت سیاسی فضا‌های جغرافیایی حائل، مورد مطالعه: ایران، پایان‌نامه مقطع دکتری به راهنمایی محمدرضا حافظ‌نیا، دانشگاه تربیت مدرس.
- اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۸)، جایگاه عراق در سیاست خارجی آمریکا، ۱۳۹۸/۳/۲۴ قابل دسترسی در: <http://www.tisri.org>
- اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، سیاست خارجی عراق پس از خروج نظامی آمریکا، ۱۵ اسفند، قابل دسترسی در: <http://www.tisri.org/default.aspx?tabindex=201 and tabid=1064>
- اطاعت، جواد، (۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران، چاپ سوم، تهران، نشر انتخاب.
- دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹/۱/۱۲، اهداف آمریکا از حضور نظامی در عراق چیست؟ قابل دسترسی در: <http://www.donya-e-eqtasad.com>
- بهرامی، محمد، (۱۳۹۰)، اهداف و منافع استراتژیک ترکیه در عراق، قابل دسترسی در: <http://www.ipsc.org>
- پوراسمعیلی، نجمه، (۱۳۹۹)، گفت‌وگوهای راهبردی آمریکا و عراق، اهداف، چالش‌ها و چشم‌انداز پیش رو، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، قابل دسترسی در: <http://www.tisri.org/?id=m5158 up 3>
- پوراحمدی، حسین؛ غفاری‌نژاد، میثم و کاظمی، حامد، (۱۳۹۵)، دموکراسی با زور و چالش‌های فراروی آن در عراق، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۱، صص ۹۵-۷۱.
- اسلام تایمز، ۱۳۹۷/۱۰/۲۵، تداوم حضور نظامیان آمریکا در عراق، اهداف و روش‌های مواجهه، قابل دسترسی در: <http://www.islamtimes.org/fa/article/772221>
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خسروی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۹۳-۵۹.
- مهرنیوز، ۱۳۹۸/۴/۱۰، روابط اقتصادی ایران و عراق پس از سال ۲۰۰۳، فرصت‌ها و چالش‌ها، قابل دسترسی در: <http://www.mehrnews.com/news/4655101>
- رئیسی، شیماء، (۱۳۹۵)، بررسی تراز گردشگری ایران و عراق، قابل دسترسی در: <http://www.donya-e-eqtasad.com/1080374>
- زارغان، احمد؛ مدنی، سعید و تاج‌الدین، محمدباقر، (۱۳۹۷)، موانع پیش روی روند دولت‌سازی در عراق، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد واحد شهرضا، شماره ۳۵، صص ۱۲۵-۱۰۱.
- شهریار، محمدعلی، (۱۳۹۶)، تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۹۲، صص ۳۱۰-۲۷۹.

- فرجی راد، عبدالرضا، (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک جدید عراق و تأثیر آن بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، ویژه‌نامه اولین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، صص ۹۲-۷۶.
- مرادی کلارده، سجاد، (۱۳۹۳)، **بازیگران منطقه‌ای و ثبات در عراق**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما رضا سیمبر، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان.
- نامی، محمدحسن و محمدپور، علی، (۱۳۸۷)، **جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک**، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- وفایی فرد، فرهاد، (۱۳۹۸)، نقش آفرینی اقتصادی عربستان در عراق: اهداف و پیامدها، قابل دسترسی در: <http://www.tabyincenter.ir/31482>.
- یزدانی، عنایت‌الله؛ افشاری، داود و ربیعی‌نیا، بهمن، (۱۳۹۵)، سناریوهای محتمل آینده عراق بر اساس بازیگران مؤثر سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره نخست، شماره نوزدهم، صص ۸۶-۵۵.

ب. انگلیسی

- Bartell, D, L. and Gray, D, H(2012).Conflict in Syria and the Opportunity To Reduce Iran’s Regional Influence and Iran’s Threat to the International Community,**Global Security Studies**,Volume 3, Issue 4.pp136-147.
- Chay, J(1986). **Korea, a Buffer State in World Politics**, Boulder, Westview Press
- Gambhir, H. (2015). ISIS Declares Governorate in Russia’s North Caucasus, available at: <http://understandingwar.org/backgrounder/isisdeclares-governorate russia% E2%80%99snorth-caucasusregion#sthash.r2anmNPY.dpuf>, (accessed on 2015, Oct 10).
- Goodarzi,Jubin M. (2013), Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Regional Environment,**Ortadoğu Etütleri**, Volume 4, No 2, pp32-54.
- Hafeznia, m, Ahmadi,s and hourcad,b(2013)-Explanation of the Structural and Functional Characteristics of Geographical Buffer Spaces.**Geopolitics Quarterly**, Volume: 8, No 4, PP 1-40
- International Crisis Group. (2007). Iraq and the Kurds: Resolving the Kirkuk Crisis.**Middle East Report**, 64.
- Maila, J. (1986) **Buffer States: The Issues of Sovereignty**, in Chay, John and Thomas, E. Ross (edited by), **Buffer States in World Politics**, U.S.A. Westview Press
- Mathisen,T. (1971) **The functions of Small States in the Strategies of Great Power**,Oslo, Scandinavian University Press
- Nasr, Vali (2006)When the Shiites Rise, **Foreign Affairs**, July/August.
- Nemtsova, A. (2015). **In Russia, the Struggle to Un-Recruit ISIS Followers**.Available at:<http://www.thedailybeast.com/articles/2015/04/03/in-russia-thestruggle-to-unrecruit-isis-followers.html>, (accessed on 2015, March 20).
- Spykman, N. J. and A. A. Rollins, (1939.) **Geographic Objectives in Foreign Policy**,The American Political Science Review, 33.

- Turmanidze, T. (2009) **Buffer States, Power Policies, Foreign Policies and Concepts; in Global Political Studies Series**; New York, Nova Science Publishers
- Vatchagaev, M. (2013). Chechens among the Syrian Rebels: Small in Number, but Influential. Available at: http://www.jamestown.org/single/?tx_ (accessed on 2013, sep 16).
- Ziring, L. (1986) **Asia's Pivotal Buffer States, In Buffer States in World Politics**, ed. John Chay and Thomas Ross, Boulder, U.S.A. Westview Pres

